



پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته‌ی علوم حدیث

گرایش کلام و عقاید

عنوان پایان نامه

آرا و اندیشه‌های کلامی ابن‌میثم بحرانی

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین محمد رنجبر حسینی

دانشجو

سید حامد هاشمی

ماه و سال دفاع

شهریور ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

((تمام حقوق این اثر، متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است))

سپاس‌گزاری:

از همه‌ی اساتید مهربان، صبور و زحمت‌کشی که با علم خود، مرا از جهل رهانیده و با حلم خود، دشواری‌های راه مرا، سهل و آسان نموده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم و سربلندی و عزت ایشان را در دو سرا از خداوند منان، خواهانم.

لازم می‌دانم که از همه‌ی مسئولین «دانشگاه قرآن و حدیث» که خالصانه در جهت ترویج علم و دانش، قدم برمی‌دارند قدردانی نمایم. در این میان، تشکر ویژه از حضرت آیت الله محمدی ری شهری و همچنین مدیر محترم گروه کلام و عقاید حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر برنجکار، استاد محترم راهنما حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود موسوی و استاد ارجمند مشاور حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین استاد رنجبر حسینی که زحماتی وافر در حق این حقیر کشیده‌اند، دارم.

چکیده

ابن میثم بحرانی یکی از بزرگترین دانشمندان قرن هفتم هجری می‌باشد که آثار ارزشمندی در زمینه‌ی علوم عقلی و نقلی از خود به جا گذاشته است. آثار و روش کلامی او در بین تألیفاتش، چنان درخششی دارد که وجهه‌ی کلامی وی را قوت می‌بخشد. محقق بحرانی در نوشته‌های کلامی خویش، از روش عقلی و نقلی استفاده کرده است؛ لیکن تکیه و بهره جویی وی از عقل، بسی بیشتر از نقل به چشم می‌خورد.

در این نوشته، آرای ابن میثم در مورد خداشناسی، راهنماشناسی و فرجام شناسی، بررسی می‌شود. ابن میثم، معتقد به معرفت فطری به خداوند است، لیکن او این نوع معرفت را به طور کامل، از برهان عقلی، مستغنی نمی‌داند. او معتقد است که ماهیت خداوند و ممکنات، متفاوت است. محقق بحرانی، درد و لذت را از صفاتی می‌داند که باید از خداوند، سلب کرد. او برخلاف فلاسفه، معتقد است که خداوند، عالم به جزئیات است. او قائل است که صفات خداوند، عین ذات او هستند و زیادت صفات بر ذات، فقط به حسب اعتبار عقلی صحیح است. ابن میثم، اراده‌ی خداوند را به علم خاص او به مصالح، ارجاع می‌دهد. وی در کتاب *قواعد المرام*، ذکر می‌کند که افعال الهی، دارای غرض هستند؛ لیکن در شرح *نهج البلاغه*، خلاف این مطلب را قائل شده است. طبق عقیده‌ی او، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از بعثت، پیرو هیچ شریعتی از انبیای گذشته نبوده است. ابن میثم صفات لازم برای امام را، عصمت، داشتن اصول کمالات، افضلیت، بری بودن از عیوب، منصوص بودن، اختصاص به کرامت و علم به کل دین می‌داند. ابن میثم بیان علت غیبت امام دوازدهم را واجب نمی‌داند؛ لیکن علت این غیبت را از طرف امت می‌داند.

ابن میثم از قائلین به معاد جسمانی است؛ لیکن بعد از نقل قول حکما در مورد توأم بودن معاد جسمانی و روحانی، هیچ اشکالی بر سخن آنان وارد نمی‌کند. او معتقد است که انسان دارای اجزای اصلیه‌ای است که از اول تا آخر عمر، باقی می‌مانند. او در کتاب *قواعد المرام* تجرّد نفس را قبول نمی‌کند و به خاطر همین، معاد روحانی را رد می‌کند، لیکن در کتاب *شرح المائة کلمة لأئمة المؤمنین*، اعتراف به مجرد بودن نفس می‌کند.

کلید واژه‌ها: ابن میثم، محقق بحرانی، آرای کلامی، خداشناسی، راهنماشناسی، فرجام شناسی.

فهرست مطالب

۱. فصل اول: کلیات

- ۱.۱. معرفی تحقیق ۱
- ۱.۱.۱. بیان موضوع ۱
- ۱.۱.۲. اهمیت و ضرورت ۱
- ۱.۱.۳. سؤالات تحقیق ۲
- ۱.۱.۴. پیشینه‌ی تحقیق ۲
- ۱.۱.۵. چارچوب نظری تحقیق ۲
- ۱.۲. احوال و ابعاد شخصیتی ابن میثم ۳
- ۱.۲.۱. ولادت، لقب ۳
- ۱.۲.۲. عصر ابن میثم ۳
- ۱.۲.۳. ابن میثم و دانشمندان عراق ۴
- ۱.۲.۴. ابن میثم در حله ۶
- ۱.۲.۵. ابن میثم در بغداد ۷
- ۱.۲.۶. اساتید ۸
- ۱.۲.۷. شاگردان ۹
- ۱.۲.۸. از منظر دانشمندان بزرگ ۱۱
- ۱.۲.۹. آثار ۱۱
- ۱.۲.۹.۱. آثار چاپی ۱۲
- ۱.۲.۹.۲. آثار خطی و یافت نشده ۱۲

۱۳..... ۱.۲.۱۰. وفات

۱۴..... ۱.۳. روش شناسی

۲. فصل دوم: آرای کلامی ابن میثم در مورد خداشناسی

۱۷..... ۲.۱. دلایل وجوب معرفت خدا

۱۷..... ۲.۱.۱. دفع ضرر مظنون

۱۸..... ۲.۱.۲. وجوب شکر منعم

۱۸..... ۲.۲. دلیل وجوب نظر

۱۹..... ۲.۳. ادله‌ی علم به وجود صانع

۱۹..... ۲.۳.۱. راه فطرت

۱۹..... ۲.۳.۱.۱. معنای لغوی فطرت

۲۰..... ۲.۳.۱.۲. معرفت فطری

۲۱..... ۲.۳.۲. راه عقل

۲۳..... ۲.۳.۲.۱. برهان امکان و وجوب

۲۶..... ۲.۳.۲.۲. برهان حدوث

۲۷..... ۲.۳.۲.۲.۱. برهان اول

۲۹..... ۲.۳.۲.۲.۲. برهان دوم

۲۹..... ۲.۳.۲.۲.۳. برهان سوم

۳۱..... ۲.۴. اسما و صفات الهی

۳۱..... ۲.۴.۱. مباحث عام

۳۱..... ۲.۴.۱.۱. تعریف صفت

- ۲۴.۱.۲. تقسیمات صفات ۳۱
- ۲۴.۱.۳. رابطه‌ی ذات الهی با صفاتش ۳۲
- ۲۴.۱.۴. چگونگی اثبات صفات الهی ۳۵
- ۲۴.۱.۴.۱. نظر به خود صفات ۳۵
- ۲۴.۱.۴.۲. نظر در احوال مخلوقات ۳۶
- ۲۴.۱.۴.۳. نظر در لوازم وجوب وجود ۳۶
- ۲۴.۱.۵. توقیفی بودن اسمای الهی ۳۷
- ۲۴.۲. مباحث خاص ۳۸
- ۲۴.۲.۱. صفات سلبی ۳۸
- ۲۴.۲.۱.۱. نفی ماهیت مشترک با ممکنات ۳۸
- ۲۴.۲.۱.۲. نفی تحیز ۳۹
- ۲۴.۲.۱.۳. نفی جوهریت ۴۱
- ۲۴.۲.۱.۴. نفی حلول ۴۱
- ۲۴.۲.۱.۵. نفی اتحاد با غیر ۴۱
- ۲۴.۲.۱.۶. نفی قیام حوادث به خدا ۴۳
- ۲۴.۲.۱.۷. نفی الم و لذت ۴۳
- ۲۴.۲.۱.۸. نفی شناخت کنه خداوند ۴۴
- ۲۴.۲.۱.۹. نفی رؤیت ۴۷
- ۲۴.۲.۲. صفات ثبوتی ۴۸
- ۲۴.۲.۲.۱. قدرت ۴۸

- ۵۰..... علم. ۲.۴.۲.۲.۲
- ۵۱..... حیات. ۲.۴.۲.۲.۳
- ۵۲..... اراده. ۲.۴.۲.۲.۴
- ۵۵..... سمع و بصر. ۲.۴.۲.۲.۵
- ۵۶..... تکلم. ۲.۴.۲.۲.۶
- ۵۷..... ادراک. ۲.۴.۲.۲.۷
- ۵۸..... وحدت. ۲.۴.۲.۲.۸
- ۵۹..... ۲.۵ افعال الهی
- ۵۹..... ۲.۵.۱ فعل و اقسام آن
- ۵۹..... ۲.۵.۲ حسن و قبح افعال
- ۵۹..... ۲.۵.۲.۱ معنای حسن و قبح
- ۶۰..... ۲.۵.۲.۲ حسن و قبح؛ شرعی یا عقلی
- ۶۱..... ۲.۵.۲.۳ ادله‌ی حسن و قبح عقلی
- ۶۱..... ۲.۵.۳ اختیار انسان
- ۶۲..... ۲.۵.۳.۱ تعریف اختیار
- ۶۲..... ۲.۵.۳.۲ ادله‌ی اختیار
- ۶۳..... ۲.۵.۳.۳ لوازم اختیار
- ۶۴..... ۲.۵.۴ غرضمندی افعال الهی
- ۶۸..... ۲.۵.۵ نفی صدور فعل قبیح از خداوند
- ۶۹..... ۲.۵.۶ خداوند، مرید طاعات

۷۰.....	۲.۵.۷. تکلیف
۷۱.....	۲.۵.۷.۱. تعریف تکلیف
۷۲.....	۲.۵.۷.۲. حسن تکلیف
۷۳.....	۲.۵.۷.۳. وجوب تکلیف
۷۳.....	۲.۵.۷.۴. شرایط تکلیف
۷۴.....	۲.۵.۷.۵. اقسام تکلیف
۷۴.....	۲.۵.۸. قاعده‌ی لطف
۷۵.....	۲.۵.۸.۱. تعریف لطف
۷۵.....	۲.۵.۸.۲. علت وجوب لطف
۷۶.....	۲.۵.۸.۳. اقسام لطف
۷۷.....	۲.۵.۹. الم و عوض
۷۷.....	۲.۵.۹.۱. تعریف الم و عوض
۷۷.....	۲.۵.۹.۲. اقسام الم رساندن
۷۸.....	۲.۵.۹.۳. اقسام عوض

۳. فصل سوم: آرای کلامی ابن میثم در مورد راهنما شناسی

۸۱.....	۳.۱. نبوت
۸۱.....	۳.۱.۱. نبوت عامه
۸۱.....	۳.۱.۱.۱. معنای اصطلاحی نبی
۸۱.....	۳.۱.۱.۲. ضرورت وجود نبی
۸۳.....	۳.۱.۱.۳. صفات نبی

- ۸۳..... عصمت ۳.۱.۱.۳.۱
- ۸۴..... تنزه از صفات نفرت انگیز ۳.۱.۱.۳.۲
- ۸۴..... معجزات ۳.۱.۱.۳.۳
- ۸۵..... رابطه‌ی ظهور معجزه و ادعای پیامبری ۳.۱.۱.۴
- ۸۵..... فرق پیامبران با کاهنان و ساحران ۳.۱.۱.۵
- ۸۶..... نبوت خاصه ۳.۱.۲
- ۸۶..... اثبات نبوت حضرت محمد ﷺ ۳.۱.۲.۱
- ۸۸..... سبب اعجاز قرآن ۳.۱.۲.۲
- ۸۹..... جواز نسخ در ادیان ۳.۱.۲.۳
- ۹۰..... افضلیت حضرت محمد ﷺ ۳.۱.۲.۴
- ۹۱..... شریعت پیامبر اکرم ﷺ قبل از بعثت ۳.۱.۲.۵
- ۹۲..... عمومیت بعثت پیامبر اکرم ﷺ ۳.۱.۲.۶
- ۹۳..... راستگو بودن پیامبر ﷺ در همه‌ی اخبارش ۳.۱.۲.۷
- ۹۳..... راه شناخت شریعت، بعد از پیامبر ﷺ ۳.۱.۲.۸
- ۹۴..... امامت ۳.۲
- ۹۴..... امامت عامه ۳.۲.۱
- ۹۴..... تعریف امامت ۳.۲.۱.۱
- ۹۴..... وجوب نصب امام ۳.۲.۱.۲
- ۹۷..... صفات و ویژگی‌های امام ۳.۲.۱.۳
- ۹۷..... عصمت ۳.۲.۱.۳.۱

- ۹۹..... ۳.۲.۱.۳.۲ داشتن اصول کمالات
- ۱۰۰..... ۳.۲.۱.۳.۳ افضلیت
- ۱۰۱..... ۳.۲.۱.۳.۴ بری بودن از عیوب
- ۱۰۱..... ۳.۲.۱.۳.۵ منصوص بودن
- ۱۰۳..... ۳.۲.۱.۳.۶ اختصاص به کرامات
- ۱۰۴..... ۳.۲.۱.۳.۷ علم به کل دین
- ۱۰۴..... ۳.۲.۲ امامت خاصه
- ۱۰۴..... ۳.۲.۲.۱ دلایل امامت بلافصل حضرت علی علیه السلام
- ۱۱۳..... ۳.۲.۲.۲ سکوت حضرت علی علیه السلام در مورد حقش
- ۱۱۴..... ۳.۲.۲.۳ امامان بعد از حضرت علی علیه السلام
- ۱۱۴..... ۳.۲.۲.۴ شبهات امامت در کتاب النجاة فی القيامة فی تحقیق أمر الإمامه
- ۱۱۵..... ۳.۲.۲.۵ غیبت امام دوازدهم

۴. فصل چهارم: آرای کلامی ابن میثم در مورد فرجام شناسی

- ۱۱۹..... ۴.۱ حقیقت انسان
- ۱۲۱..... ۴.۲ معاد جسمانی
- ۱۲۱..... ۴.۲.۱ جواز عقلی معاد جسمانی
- ۱۲۲..... ۴.۲.۲ ادله‌ی وقوع معاد جسمانی
- ۱۲۵..... ۴.۳ محال بودن اعاده‌ی عین معدوم
- ۱۲۶..... ۴.۴ معاد روحانی
- ۱۲۶..... ۴.۴.۱ تجرد نفس

- ۴.۵. معاد جسمانی و روحانی ۱۲۷
- ۴.۶. تعریف وعد و وعید ۱۲۸
- ۴.۷. استحقاق ۱۲۹
- ۴.۷.۱. آنچه که با افعال، استحقاقش حاصل می‌شود ۱۲۹
- ۴.۷.۲. موجبات استحقاق ۱۲۹
- ۴.۷.۳. استحقاق مکلف مطیع برای ثواب ۱۳۰
- ۴.۷.۴. استحقاق مکلف گناهکار برای عقاب ۱۳۱
- ۴.۷.۵. اجتماع استحقاق ثواب و عقاب ۱۳۲
- ۴.۸. دلایل عفو ۱۳۲
- ۴.۹. عاقبت مؤمنان گناهکار ۱۳۳
- ۴.۱۰. شفاعت ۱۳۵
- ۴.۱۱. خلقت بهشت و جهنم ۱۳۵
- ۴.۱۲. تجسم اعمال ۱۳۶
- ۴.۱۳. توبه ۱۳۸
- ۴.۱۳.۱. حقیقت توبه ۱۳۸
- ۴.۱۳.۲. وجوب توبه و ساقط شدن عقاب به واسطه‌ی آن ۱۳۸
- ۴.۱۳.۳. صحت توبه از برخی معاصی ۱۳۹
- ۴.۱۴. اسما و احکام ۱۳۹
- ۴.۱۴.۱. ایمان ۱۳۹
- ۴.۱۴.۲. کفر، نفاق و فسق ۱۴۰

پیشنهادات ۱۴۲

فهرست منابع ۱۴۳

فصل اول:

کلیات

✓ معرفی تحقیق

✓ احوال و ابعاد شخصیتی ابن میثم

✓ روش شناسی

۱.۱. معرفی تحقیق

۱.۱.۱. بیان موضوع

ابن‌میثم بحرانی یکی از دانشمندان و متفکران بزرگ شیعه در قرن هفتم است که تحقیقات گسترده‌ای در علوم مختلفی چون کلام، فقه و اصول، حدیث، فلسفه و منطق، معانی و بیان دارد؛ لیکن بیشتر آثار و فعالیت‌هایش کلامی می‌باشد. از جمله‌ی کتابهای چاپ شده‌ی وی در زمینه‌ی کلام، قواعد المرام فی علم الکلام و النجاة فی القیامة فی تحقیق أمر الامامة می‌باشد. ایشان حتی در کتاب شرح نهج البلاغه‌ی خویش، شیوه‌ای کلامی - فلسفی داشته است؛ بنابر این جا دارد آرای کلامی این متکلم شاخص شیعی که در آثار وی منعکس شده است، استخراج شود تا جایگاه وی در تاریخ شکل‌گیری کلام شیعی، معین و همچنین نظرات کلامی ایشان به عنوان یک متکلم شاخص قرن هفتم هجری، مشخص شود.

۱.۱.۲. اهمیت و ضرورت

در مورد اهمیت و ضرورت این تحقیق، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- شناخت جایگاه ابن‌میثم بحرانی در تاریخ شکل‌گیری عقاید شیعه.
- ۲- به دست آوردن منظومه‌ی فکری ایشان به عنوان یکی از متکلمین شاخص شیعه در قرن هفتم.
- ۳- کمک در راستای گردآوری آرا و اندیشه‌های متکلمین برجسته‌ی شیعه.
- ۴- کمک به شناخت روش‌های استنباط، تبیین، تنظیم و اثبات مسایل اعتقادی و همچنین شیوه‌های پاسخ به شبهات در این مسایل، توسط قدمای متکلمین شیعه.

۱.۱.۳. سؤالات تحقیق

سؤالات اصلی و فرعی این تحقیق، به شکل زیر می‌باشند:

سؤال اصلی

اندیشه‌ها و آرای کلامی ابن‌میثم بحرانی چیست؟

سؤالات فرعی

۱- دیدگاه‌های ابن‌میثم بحرانی در موضوع خداشناسی (ذات و صفات و افعال) چیست؟

۲- دیدگاه‌های ابن‌میثم بحرانی در موضوع راهنما شناسی (نبوت و امامت) چیست؟

۳- دیدگاه‌های ابن‌میثم بحرانی در موضوع فرجام شناسی چیست؟

۱.۱.۴. پیشینه‌ی تحقیق

طبق تفحص بنده، در این مورد، کتاب مستقلی پیدا نشد. البته پایان نامه‌ای با عنوان «اندیشه‌های کلامی - فلسفی ابن‌میثم بحرانی در شرح نهج البلاغه» یافت شد؛ لیکن نویسنده‌ی این پایان نامه (محمد رصافی) علاوه بر اینکه کار تحقیقی خود را محدود به کتاب شرح نهج البلاغه‌ی ابن‌میثم نموده، فقط در باب توحید، بحث نموده است و در مورد افعال الهی، راهنماشناسی و فرجام شناسی، سخنی به میان نیاورده است؛ به هر حال پایان نامه‌ی منسجم و کاملی از آرای کلامی ابن‌میثم بحرانی یافت نشد.

مقاله‌هایی که در مورد ابن‌میثم نوشته شده‌اند، طبق تفحص بنده، بیشتر ناظر به شخصیت شناسی، ویژگی‌های شرح نهج البلاغه‌ی وی و همچنین ریز موضوعاتی در باب امامت می‌باشد، مانند: مقاله‌ی «ضرورت امامت و مسئولیت نصب امام از نگاه ابن‌میثم بحرانی»، نوشته‌ی علی اله بداشتی.

۱.۱.۵. چارچوب نظری تحقیق

این پایان نامه، موضوع محور می‌باشد و شامل تمام موضوعات کلامی می‌باشد که این موضوعات، از منظر ابن‌میثم بحرانی، متکلم بزرگ شیعه در قرن هفتم، با استفاده از آثارش، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲. احوال و ابعاد شخصیتی ابن میثم

۱.۲.۱. ولادت، لقب

میثم بن علی بن میثم بحرانی، ادیب، محدث، فقیه، فیلسوف و متکلم مشهور شیعی در قرن هفتم هجری است. منابع تراجم و رجال، لقب کمال الدین را برای وی ذکر کرده‌اند.^۱ برخی نیز لقب مفید الدین را به او داده‌اند؛^۲ لیکن مؤلف رساله‌ی *السلافة البهية فی الترجمة المیثمیه*، طی توضیحی، نسبت این لقب را به ابن میثم، نادرست خوانده است.^۳

متأسفانه آن طور که شایسته‌ی اوست، در کتب تراجم و رجال، در مورد زندگی این شخصیت بزرگ، اطلاعات زیادی ثبت نشده و شخصیت اجتماعی و تطور زندگی وی پوشیده مانده است.

بنا به نقل شیخ سلیمان بن عبدالله بحرانی^۴، ابن میثم در سال ۶۳۶ ق متولد شده است.^۵ البته قابل ذکر است که نقل شیخ سلیمان، تنها نقل موجود برای سال تولد ابن میثم می‌باشد. محل تولد او در منابع، ذکر نشده است؛ لیکن از آن جایی که به بحرانی معروف است و وی را از عالمان سرشناس بحرین شمرده‌اند، معلوم می‌شود که در بحرین چشم به دنیا گشوده است.

۱.۲.۲. عصر ابن میثم

ابن میثم هم عصر فقیه معروف، محقق حلی و همچنین متکلم و حکیم مشهور، خواجه نصیرالدین طوسی بوده و نزد علاءالدین عطاملک جوینی حاکم بغداد و مورخ دانشمند عصر مغول، با بزرگواری و کرامت، می‌زیسته است. ولادت او در اواخر عصر المستنصر بالله عباسی (۶۲۳ - ۶۴۰) و زمان خلافت پسرش، عبدالله المستعصم بالله،

۱. برای نمونه نک: یوسف بن احمد بحرانی، *الکشکول*، بیروت، دار و مکتبة الهلال، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۳۶ و ص ۲۳۷؛ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۴ و ...

۲. قاضی نورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳. نک: یوسف بن احمد بحرانی، *پیشین*، ص ۳۹.

۴. فقیه و محدث قرن یازدهم و دوازدهم، متوفای ۱۱۲۱ ق.

۵. سلیمان بن عبدالله بحرانی، *فهرست آل بویه و علماء البحرین*، به کوشش احمد حسینی و محمود مرعشی، قم، مکتبة آية الله المرعشی، ۱۴۰۴ ق، ص ۶۹.

بوده است. عبدالله، تدبیر امور را به دست وزیرش ابوطالب محمد بن علی علقمی سپرده بود و خودش مشغول لعب و لهو بود. ابوبکر، پسر خلیفه، به محله‌ی کرخ که محل سکونت شیعیان بود، حمله کرد و آنجا را به غارت برد. وی بسیاری از بزرگان شیعه را که همراهشان هزار زن یا دختر بودند، به اسارت گرفت. در این زمان بود که وزیر علقمی قمی، متعرض زوال آل عباس شد، به امید اینکه شخصی از بزرگان علوی، جانشین آنها شود.

عصر ابن میثم همراه با رقابتهای خطرناک میان دولت های اسلامی و ظهور چنگیزخان مغول و یورش وحشیانه‌ی او به ایران و کشورهای اسلامی و همچنین تزلزل فکری، عقیدتی مسلمانان با ظهور مبلغین اسماعیلی و اختلاف شدید فرقه‌ای میان اهل سنت و شیعیان بود.^۱

۱.۲.۳. ابن میثم و دانشمندان عراق

ابن میثم در زادگاه خود، بحرین، مقدمات علوم و فقه و حدیث را فرا گرفت و در دیگر فنون نیز، استادی و مهارت به هم رسانید و از آنجا آوازه‌اش به گوش علمای عراق رسید ولی با این وصف، عزلت گزیده، از مسافرت و ملاقات دانشمندان و مصاحبت رجال و مردان روزگار، روی برتافته بود^۲ و از این رو با همه‌ی علم و فضل‌ی که داشت، قدرش مجهول و جز معدودی از خواص، کسی از وجود آن در گرانها در بحرین، اطلاع نداشت!

ابن میثم دانشمندی تهی دست ولی بلند نظر و بزرگ منش بود. او گوشه نشینی را بر حضور در اجتماع برگزیده بود. شیوه‌ی او مورد نکوهش دانشمندان عراق قرار گرفت و در غیاب، او را به داشتن این فکر، محکوم کردند، و چنان که قاضی نورالله شوشتری^۳ در *مجالس المؤمنین* می نویسد، فضلالی عراق، نامه‌ای به او نوشتند که: «عجبست که ترا با مهارت در فنون علم در میان علماء، اقتدار و اعتباری بهم نمیرسد»^۴. ابن میثم در پاسخ، دو بیت شعر - که در آن، به آنها تعریض داشت - برایشان به عراق فرستاد:

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه ر.ک: ابن میثم بحرانی، *النجاح في القيامة في تحقيق أمر الإمامة*، تحقیق یوسفی غروی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق، ص ۹ - ۱۳؛ محمدی عراقی، «ابن میثم البحرانی و الوضع السياسي والاجتماعي المعاصر»، رسالة التقريب، شماره‌ی ۵۲، دی ماه ۱۳۸۴، ص ۱۲۷ - ۱۴۰.

۲. یوسف بن احمد بحرانی، پیشین، ص ۳۷.

۳. سیدنورالله حسینی شوشتری (۱۰۱۹مق) معروف به قاضی نورالله شوشتری یا شهید ثالث، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی، شاعر و عالم شیعه در عهد صفویه بود که در هند کشته شد.

۴. *مجالس المؤمنین*، ص ۲۱۰.

طلبت فنون العلم أبغي بها العلى

فقصر بي عما سموت به القلّ

تبين لي أن المحاسن كلها

فروع، و أن المال فيها هو الأصل

(من انواع علوم و فنون را به منظور نیل به مقام والایی فرا گرفتم، ولی تنگدستی مرا از رسیدن به منظور بازداشت. سرانجام برای من آشکار گشت که تمام خوبی‌ها، فرع و اساس همه‌ی آنها داشتن مال است.)

چون اشعار ابن میثم به نظر اهل عراق رسید، گویا پیام او را درنیافتند و نظر او را در این زمینه تخطئه کردند و مجدداً به او نوشتند که تو در این اشعار، خود را در معرض خطا انداخته‌ای و در حکم به اصالت مال، قضیه را منعکس ساخته‌ای. ابن میثم در تصدیق حکم خود، این اشعار را که از شاعران گذشته است، نوشت و برای آنها فرستاد:

قد قال قوم بغير فهم

ما المرء الا بأكبريه!

فقلت قول امرء حكيم

ما المرء الا بدرهميه!

من لم يكن درهم لديه

لم تلتفت عرسه إليه

(مردمی از روی بی خبری گفتند: ارزش مرد به بزرگی مقام و دانش اوست. من در جواب او گفته‌ی مرد حکیمی را بازگو کردم که می گوید: ارزش مرد به درهم و دینار اوست. اگر کسی درهم و دیناری نداشته باشد، زن او توجهی به او نمی کند)

این اشعار نیز علمای عراق را قانع نساخت و آنها همچنان در ایراد خود بر ابن میثم که به دلیل فقر و تنگدستی، گوشه نشینی اختیار کرده بود، ثابت ماندند. چون ابن میثم از پافشاری علمای عراق، مطلع گردید از بحرین به عراق آمد و لباس کهنه پوشید و در مجمعی که پر از علما بود، وارد گشت و سلام کرده، در پایین مجلس نشست.

حضار، جواب سلام او را با تکلف دادند و ملتفت اکرام و پرسش حال او نشدند! در اثنای مذاکره‌ی علما، ابن میثم مسئله‌ی مشکلی را که قابل جواب و توجیه نبود، مطرح ساخت و حل آن را از دانشمندان مجلس خواست. علما هفت نوع جواب به وی دادند و برخی نیز او را به باد مسخره گرفتند و سر به سر او گذاشتند.